



Journal Researches of Quran and Hadith Sciences, Vol.19, No.2, Serial.54, Summer 2022

<http://tqh.alzahra.ac.ir/>

Alzahra University

## The Holy Qur'an and The Origin of Faith

*Mohsen Jahani<sup>1</sup>*

*Mehdi Azimi<sup>2</sup>*

DOI: 10.22051/TQH.2022.34683.3101

Received: 05/01/2021

Accepted: 19/02/2022

### Abstract

Faith is the basis of religiosity and it has been the subject of discussion in many scientific and political controversies throughout the history. The origin of the tendency to faith is one of the fundamental questions in religious studies and it connects directly to the perspective on the nature of faith. In general, the interpretations that has been raised about faith can be divided into two main groups: 1. Sometimes faith means a kind of cognition and the way to achieve it, by which man is guided to the recognition of the principles of religion. 2. Sometimes faith and science are separated; therefore, to achieve faith man must meditate and control himself. Based on evidence and studies, the present research finds that the second theory distinguishing faith from epistemological science better captures the reality of faith. Faith is a voluntary act that might crystallize without knowledge. The most important duty of man in the guidance process is accepting and practically adhering to the truth. Thus, the most significant origin of faith is a force facilitating this acceptance, causing man to resist the allure of infidelity, namely the force of piety. Therefore, lack of piety leaves man vulnerable against the obstacles to acquiring faith, making accepting truth more challenging.

**Keywords:** *Faith, Infidelity, Piety, The Holy Qur'an.*

---

<sup>1</sup>. MA of Islamic Philosophy and Theology, University of Tehran, Iran (The Corresponding Author). [mohsen.jahani@ut.ac.ir](mailto:mohsen.jahani@ut.ac.ir)

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Tehran, Iran. [mahdiazimi@ut.ac.ir](mailto:mahdiazimi@ut.ac.ir)



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (علوم اسلامی)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، پیاپی ۵۴

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۳۷-۷۱

## قرآن کریم و خاستگاه ایمان

محسن جهانی<sup>۱</sup>

مهدی عظیمی<sup>۲</sup>

DOI : 10.22051/TQH.2022.34683.3101

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

### چکیده

ایمان اساس دینداری بوده و در طول تاریخ موضوع بسیاری از مجادلات علمی و سیاسی قرار گرفته است. خاستگاه گرایش به ایمان، از پرسش‌های اساسی در حوزه مطالعات دینی به شمار می‌رود و این مسئله ارتباط مستقیمی با چگونگی نگاه به سرشت ایمان دارد. به طور کلی تفاسیری که راجع به ایمان مطرح شده را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم نمود: ۱- گاهی ایمان به نوعی معرفت ترجمه می‌شود و راه دستیابی به آن؛ همان راهی است که ما را به شناخت اصول دین می‌رساند. ۲- و گاهی ایمان و علم را از هم منفک می‌کنند و بدین ترتیب راه وصول به ایمان، نوعی مراقبه و تربیت نفس خواهد بود. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و ادله ارائه شده در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که نظریه دسته دوم یعنی نظریه آنها که ایمان و علم معرفت شناختی را از هم منفک می‌کنند به حقیقت ایمان نزدیک تر است. به این ترتیب نتیجه گرفتیم ایمان یک فعل ارادی است که امکان دارد بدون دانش لازم تحقق پیدا کند و مهم‌ترین وظیفه انسان در فرآیند هدایت پذیرفتن حق و التزام عملی به آن است. بر این اساس مهم‌ترین خاستگاه تحقق ایمان نیرویی است که این پذیرش را آسان می‌کند و سبب می‌شود انسان در برابر جاذبه‌ی کفر از خود مقاومت نشان دهد و آن نیرو چیزی جز تقوا نیست. نبودن تقوا انسان را در مقابل موانعی که در راه کسب ایمان وجود دارد بی دفاع می‌کند و پذیرش حق را دشوار می‌سازد.

<sup>۱</sup>- کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). mohsen.jahani@ut.ac.ir

<sup>۲</sup>- دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران. mahdiazimi@ut.ac.ir

## واژه‌های کلیدی: ایمان، کفر، تقوا، قرآن کریم.

### مقدمه و طرح مسئله

ایمان ستون اصلی دینداری بوده و در طول تاریخ موضوع بسیاری از مجادلات علمی و سیاسی قرار گرفته است. شناخت ایمان یک امر ضروری برای شناخت دین محسوب می‌شود، انسانی که می‌خواهد به دعوت پیامبران الهی (ع) لبیک گوید بی‌نیاز از شناخت ایمان و راه دستیابی به آن نیست، همچنین یک مبلغ دینی که می‌خواهد مردم را به دین دعوت کند و از گمراهی نجات دهد ضرورتاً باید بداند چه عاملی باعث می‌شود انسان سختی دین‌داری را به جان بخرد و ایمان بیاورد. در نگاهی کلان یک حکومت دینی که می‌خواهد از دیانت مردم در برابر هجومی کفار دفاع کند می‌بایست بداند دین و ایمان مردم از چه ناحیه‌ای آسیب‌پذیرتر است و دشمنان دین از چه طریقی می‌توانند به آن ضربه وارد کنند. تمام این‌ها بخش کوچکی از مواردی است که ضرورت شناخت ایمان و ضرورت بررسی خاستگاه تحقق آن را برای ما روشن می‌سازد.

ضرورت شناخت ایمان، باعث شده قریب به اتفاق اندیشمندان حوزه‌ی مطالعات دینی بدان توجه نمایند و راجع به آن مطالبی هرچند مختصر ارائه نمایند. به طور اجمالی اندیشمندانی که راجع به ماهیت ایمان اظهار نظر نموده‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- گروه اول کسانی هستند که ایمان را مطابق با معرفت به اصول دین معنا می‌کنند. این نظریه‌ی کسانی است که تحقق ایمان را تنها در صورتی می‌پذیرند که همراه معرفت و دلیل معتبر شناختی باشد. این گروه از اندیشمندان به واسطه راهی که برای دستیابی به ایمان معرفی می‌کند خود به چندین دسته تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - گروهی برهان و قیاس را راه دستیابی به ایمان می‌دانند (اکبری، ۱۳۸۹) گروهی استقراء و تجربه را برمیگزینند (سویینیرن، ۱۳۸۷) گروهی به سراغ ادله عملگرایانه می‌روند (آذربایجانی، ۱۳۸۳؛ ر.ک: رحمتی، ۱۳۸۵). برخی هم تنها راه ایمان را شهود الهی میدانند. (مک‌گراث، ۱۳۹۲، ج ۱، ۳۲۹-۳۳۱). گاهی علمای اسلامی به سبب مغایرت معرفت و ایمانی که در متون دینی به کار رفته است قیودی به ایمان افزوده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۱۵۸) (میرباباپور، ۱۳۹۶)

۲- گروه دوم نظریه کسانی است ایمان و معرفت را مغایر و بی ارتباط با هم نشان می دهند. اصطلاحاً به عقیده ی این گروه ایمان گرایی گفته می شود. ایمان گرایان هم با توجه به اعتقادشان نسبت به رابطه ایمان و معرفت به دسته های مختلفی تقسیم می شوند.<sup>۱</sup>

در این پژوهش ابتدا به دنبال تبیین چیستی ایمان می رویم و به این مسئله می پردازیم که با استناد به آیات قرآن کریم آیا می توانیم ایمان را نوعی معرفت یقینی ترجمه کنیم یا خیر. اگر جواب منفی بود به این سوال می پردازیم که آیا امکان دارد ایمان دینی را با ادبیات ایمان گرایان معنا کنیم؟ اگر هیچ یک از دو صورت فوق منطبق بر آیات قرآن کریم نبود تلاش می کنیم ترجمه ای از ایمان ارائه کنیم که بیشترین قرابت را به آیات شریف قرآن کریم داشته باشد.

سؤال اصلی پژوهش این است که با توجه به آیات قرآن کریم، خاستگاه تحقق ایمان در وجود انسان چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا می بایست به چند سوال فرعی پردازیم از جمله این که مقصود از تصدیق قلبی چیست؟ سپس باید ببینیم چه موانعی مانع از شکل گیری این تصدیق در وجود انسان می شود و چه عاملی مهم ترین اثر را بر تحقق آن میگذارد؟

### فرضیه تحقیق

ایمان یک فعل ارادی و اختیاری است و عوامل موثر بر ایمان عواملی است که بر اراده و اختیار انسان اثر میگذارد. گزاره ایمان امری پیچیده و نامفهوم نیست که نیاز به استدلال های پیچیده داشته باشد و انسان در فهمش دچار مشکل شود اما به گونه ای هست که مخالف نفسانیات انسان باشد و هر انسانی نتواند صدق آن ها را بپذیرد. وجود تقوا باعث می شود

<sup>۱</sup> - برخی چون کرگور ایمان و معرفت را متعارض با هم می دانند. (کرگور، ۱۳۷۴). برخی مثل ویتگنشتاین ایمان را بی ارتباط با دلایل عام معرفتی میدانند (لگنهاوزن، ۱۳۷۹). برخی بمانند پلنتینگا اگر چه ادله معرفتی را معتبر می داند اما آنها را برای ایمان ضروری نمی شناسد (میرباباپور، ۱۳۹۶)

انسان این گزاره ها را تصدیق کند هرچند بر خلاف میل باطنی و منافع شخصی اش باشد. بدین ترتیب خاستگاه تحقق ایمان دینی و منشاء تمایز میان مومن و کافر وجود تقوا است.

### ۱. پیشنهاد تحقیق

اهمیت ایمان در حوزه علوم دینی باعث شده تا مسائل مربوط به آن در کانون توجه علما در طول تاریخ قرار بگیرد و اندیشمندان خداپاور و غیر خداپاور به طرق مختلف در تبیین معنای آن همت بگمارند. حاصل این تلاش ها پدید آمدن آراء و نظرات مختلف در قالب مقالات و کتب متعدد بوده است. تعداد این آثار به حدی است که به نوعی می توان احصاء آنها را غیر ممکن قلمداد کرد.

ورود موضوع ایمان به مباحث نظری اسلامی را می توان مصادف با ظهور اسلام دانست. برخی، خوارج را اولین گروهی می دانند که به مناقشه در معنای ایمان وارد شده اند. بعد از خوارج، مرجئه، معتزله، اشاعره و ... نظرات خاصی راجع به معنی ایمان پیدا کردند. (محمدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷، ص ۱۷) اهمیت پرداختن به مسئله ایمان به حدی است که اشعری کتاب مشهور "مقالات الاسلامیین" را با این جمله آغاز می کند که: "الایمان بالله ماهو؟" (همان، ص ۱۷)

برخی از مرتبط ترین آثار با موضوع حاضر به شرح زیر می باشد:

- هستی شناسی ایمان، کاوشی در رابطه ایمان و معرفت (محمدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷)
- رویکردی فلسفی کلامی به ایمان در فلسفه‌ی دکارت و ملاصدرا (اسفندیاری، سیمین، ۱۳۹۴)
- عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدرالمتألهین شیرازی و امانوئل کانت (علاءالدین ملک‌اف، و صاف‌دل، حسین، ۲۰۱۱)

- معرفت لازم و کافی در دین (مروری بر عمده‌ترین مباحث معرفت‌شناسی دینی) (حسین زاده، محمد، ۱۳۸۴)
  - ایمان و امید (سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۹)
  - ترابط عقل و ایمان از دیدگاه غزالی و ملاصدرا (روح‌الله شاکری زواردهی و ملیحه محمودی بیات، ۱۳۹۳)
  - رابطه ایمان و معرفت از منظر علامه مصباح‌یزدی (میرباباپور، ۱۳۹۶)
  - کاوشی در رابطه با ایمان و معرفت فلسفی (نعمت‌الله بدخشانی و دیگران، ۱۳۸۸)
  - بررسی همسان‌انگاری علم و ایمان از دیدگاه قرآن (رضی بهابادی، ۱۳۸۶)
- اما آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌های همسو متمایز می‌سازد عبارت است از:
- ۱- جمع میان ترجمه معرفت‌شناختی و میان ترجمه ایمان‌گرایانه ایمان، به این صورت که از ایمان به صورت یک فعل ارادی و اختیاری تعبیر می‌شود که ضرورتی ندارد با شناخت همراه باشد اما معیت آن با علم هم ممتنع نیست، همینطور تبعیت از عقل و کسب علم آموزی برای رسیدن برای تحقق ایمان ضروری می‌دانیم اما این ضرورت نه از باب تحقق تصدیق قلبی بلکه یک ضرورت عقلی و شرعی به جهت جلوگیری از انحراف در راه رسیدن به ایمان و دینداری صحیح است.
  - ۲- ایمان از یک مسئله کلامی که در علوم چون کلام و معرفت‌شناسی به آن پرداخته می‌شد، به مسئله رفتاری تبدیل شده است که می‌بایست در علم اخلاق و نفس‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. مفهوم ایمان

### ۲-۱. معنی ایمان در لفظ

کلمه‌ی ایمان از ریشه‌ی "ا-م-ن" در مقابل ترس است. این لفظ اشاره به یکی از حالات روانی انسان دارد. چنین حالتی زمانی برای انسان رخ می‌دهد که انسان خود را در معرض

خطری نبیند. به همین سبب مکانی که انسان در آن احساس خطر نکند مأمن گفته می‌شود. (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۸۸) نویسنده تحقیق ایمان را به سکون و آرامش قلبی تعبیر کرده است. (مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۴۹) معنایی که برای لفظ "ایمان" بیان شده، "تصدیق" است. (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۸۸) تعلق تصدیق به یک گزاره یعنی انسان، مطابقت مفاد گزاره خبری مذکور با واقعیت خارجی را قبول کرده است. (آل یاسین، ۱۴۰۵، ص ۱۵۱)

برخی از اندیشمندان معتقدند انسان مؤمن که حق را تصدیق کرده است به واسطه‌ی ایمانش از شک و ریب در امان می‌ماند. و این گونه میان معنای اصطلاحی ایمان با ریشه لغوی‌اش ارتباط برقرار می‌نمایند. (طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۵).

## ۲-۲. ایمان دینی (ایمان در اصطلاح شرع)

راغب اصفهانی سه امر را در تحقق ایمان شرعی مؤثر می‌داند که شامل تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به دستورات شرع است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۰) فرق مختلف اسلامی در تعیین مصداق ایمان دینی باهم اختلاف نظرهایی دارند که فخر رازی طرفهای این اختلاف نظر را به چهار دسته تقسیم کرده است، او میگوید مسلمانان در معنای ایمان باهم اختلاف نظر دارند اما تمام این اختلاف نظرها را می‌توان در چهار نظریه دسته بندی کرد. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۷۰) این چهار دسته عبارت‌اند از:

۱. گروه اول: ایمان عبارت است از پذیرش قلبی عمل جوارحی و اقرار زبانی.<sup>۱</sup>
۲. گروه دوم: ایمان یعنی پذیرش قلب و اقرار زبان.<sup>۲</sup>
۳. گروه سوم: ایمان چیزی جز یک عمل قلبی نیست.<sup>۳</sup>
۴. گروه چهارم: ایمان همان اقرار زبانی است.<sup>۴</sup> (همان)

۱ - هم المعتزله و الخوارج و الزیدیه، و أهل الحدیث. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۷۰)

۲ - و هو قول أبی حنیفه و عامه الفقهاء. (همان، ص ۲۷۱)

۳ - و هو قول الحسین بن الفضل البجلي و قول جهم بن صفوان (همان)

۴ - و هو قول غیلان بن مسلم الدمشقی و الفضل الرقاشی و قول الکرامیه (همان)

از چهار گروهی که فخر رازی نامبرده سه گروه اول در لزوم تصدیق قلبی برای تحقق "ایمان دینی" مشترک‌اند و اختلاف میان آنها تنها در کیفیت ظهور این تصدیق در اقوال و افعال است. اما عقیده فرقه‌ی چهارم مبنی بر کفایت تصدیق لفظی در صدق "ایمان دینی" را همان طور که خود فخر رازی اشاره می‌کند (همان) نمی‌توان پذیرفت، چرا که آیات متعددی از قرآن کریم به روشنی این نظریه را رد می‌کند. (البقرة: ۸) (الحجرات: ۱۴) (المائدة: ۴۱) در نتیجه تصدیق زبانی برای صدق ایمان کافی نبوده و می‌توانیم تصدیق قلبی را قدرمتیقن تمام اقوال موجود در معنای ایمان در نظر بگیریم.

### ۳. مفهوم کفر

کفر (ک-ف-ر) از الفاظ پرتکرار در قرآن کریم به حساب می‌آید که به معنی پوشاندن ترجمه شده است. اگر شخص یا چیزی باعث شود امری پنهان گردد کافر خواهد بود. به شب کافر گفته می‌شود چرا که باعث پوشیده شدن انسان‌ها می‌شود و زارع را نیز کافر گویند چرا که دانه‌ها را زیر خاک پنهان می‌کند. (قرشی بنایی، ۱۳۷۱ ج ۳ ص ۱۲۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۴) کفر در اصطلاح شرعی ضد معنای ایمان است، از همین جهت اختلاف نظرهایی که راجع به معنای ایمان وجود دارد به همان شکل نسبت به معنای کفر هم طرح می‌گردد. به عنوان مثال آنکه ایمان را معرفت بالله (جل جلاله) میدانند کفر را هم جهل ترجمه می‌کند. (آمدی، ۱۴۲۳) (نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۵۱) شیوع معنای اصطلاحی کفر و ایمان در جامعه اسلامی به حدی است که معنای لفظی آنها تحت تاثیر قرار گرفته و برخی از کتب لغوی مانند العین در ترجمه کفر از معنای اصطلاحی (ضد ایمان) استفاده نموده‌اند. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ج ۵ ص ۳۵۶). منظور از کفر، انکار و عدم قبول دعوت انبیاء (ع) است که امکان دارد در اقوال و افعال انسان ظاهر شود.

### ۴. بررسی مناقشه پیرامون ایمان در میان مسلمانان

#### ۴-۱. ملازمت ایمان و معرفت



کشف مهم‌ترین خاستگاه تحقق ایمان ارتباط مستقیمی با چگونگی تعریف ایمان دارد. اگر نگاه ما به ایمان به گونه‌ای باشد که حقیقت آن را بر پایه معرفت و شناخت فرض کنیم خاستگاه آن هم کیفیت علم ما به گزاره ایمان خواهد بود و از این رو تعلیم و تعلم معارف الهی جایگاه اساسی در هدایت پیدا خواهد کرد. اما اگر نگاه ما به ایمان از اساس یک نگاه رفتاری باشد و به عنوان یک فعل ارادی قلبی به آن نگاه کنیم خاستگاه ایمان را می‌بایست در اموری مربوط به رفتار و تزکیه نفس جست و جو کنیم.

از زمان ظهور اسلام تا به امروز مسئله‌ی ایمان و کفر به صور مختلف درون جامعه اسلامی طرح شده و به بهانه‌های گوناگون مورد مناقشه گروه‌های مختلف فکری قرار گرفته است، خوارج به عنوان اولین گروهی شناخته می‌شود که به‌طور جدی و البته با اهداف سیاسی به تبیین مفهوم ایمان ورود کرد. بعد از آن مسئله تکفیر و رابطه میان ارتکاب ذنب و ارتداد به صورت یکی از مناقشات جدی در جهان اسلام تبدیل شد و سالیان سال محافل علمی را به خود مشغول نمود.

خوارج که ابتدای این رشته را در دست دارند معتقد بودند اگر انسان مرتکب معصیت شود از دایره ایمان خارج می‌گردد. گروه‌های منسوب به خوارج تا بیست گروه شمارش شده‌اند و این گروه‌ها در مصداق معصیتی که موجب کفر معصیتکار می‌گردد با هم اختلاف نظر دارند. (بغدادی، ۱۴۰۸، ص ۵۴) بنا بر نظریه خوارج هر آنکه مرتکب معصیت شود عملاً منکر توحید شده است. چنین فردی یا وجود خداوند را انکار کرده، یا علم الهی به معصیت را منکر شده، یا قدرت الهی بر مجازات خود را نادیده گرفته و یا شریعت و اخبار فرستادگان الهی مبنی بر عدم جواز معصیت را تکذیب نموده است.

این عقیده خوارج که منجر به تکفیر جمع کثیری از مومنان می‌شد مخالف روح لطیف سنت اسلامی و ظاهر آیات قرآن کریم بود<sup>۱</sup> و از همین رو مورد مخالفت مسلمانان از فرق مختلف قرار گرفت. علمای اسلامی تلاش کردند به هر نحو ممکن با این گرایش

<sup>۱</sup> - بر اساس قرآن کریم و روایات اسلامی، کسی که به زبان شهادتین جاری کند مسلمان است و در پناه اسلام جان، مال و عرضش در امان است و هر گونه تعرضی به او حرام است. (علیخانی کشکک، ۱۳۹۹)

انحرافی مقابله کنند و مانع از تکفیر مسلمانان گردند. در همین راستا گروهی از معتزله نظریه منزله بین المنزلین را طرح نمودند تا بگویند اگرچه انسان با ارتکاب معصیت از ایمان خارج می شود اما وارد به دایره کفر نمیگردد. از مرجئه، اشاعره، ماتریدیه و شیعه می توان به عنوان گروههای دیگری نام برد که در این نزاع وارد شده اند و اظهار نظر کرده اند.

(محمدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷:ص ۱۰۲، ص ۹۱-۱۰۹)

اگرچه از این مناقشه به عنوان مهمترین و گسترده ترین بحث راجع به مفهوم ایمان در میان فرق مختلف اسلامی یاد می شود اما در حقیقت نمی توانیم مباحثی که در این موضع طرح گردیده را به عنوان مباحثی راجع به چیستی ایمان با یک نگاه عقلی و فلسفی یا حتی شرعی و اخباری به حساب آوریم بلکه با دقت نظر به مسئله مورد بحث متوجه می شویم حقیقت این نزاع؛ یک نزاع فقهی راجع به تعیین حدود ارتداد است که براساس مغالطه اشتراک لفظ (عدم توجه به تمایز میان کفری که در مقابل ایمان قلبی قرار می گیرد و میان کفری که در مقابل اسلام قرار میگیرد) شکل گرفته است.

در جدالی که پیرامون ایمان و ارتداد برپا شد همه طرفها، چه آنها که عمل مکلف را داخل در ایمان می دانستند (مثل خوارج) و چه آنها که عمل مکلف را خارج از ماهیت ایمان تعریف کرده اند (مانند اشاعره) هر یک به نوعی کسب معرفت را یکی از ارکان اصلی ایمان فرض نموده اند. دلیل این مدعا این است که اولاً برخی که به طور صریح جهل را مساوی با انکار معرفی می کنند (اکبریان و گلستانه، ۱۳۹۱) (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۴ ص ۹۱) برخی دیگر هم که مانند غزالی اشکالاتی به مطابقت میان ایمان و معرفت گرفته اند به هنگام تعریف ایمان، به طریقی شناخت را هم در این تعریف گنجانده اند. (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۳۲۹).

#### ۴-۲. مخالفت غزالی با ترویج ایمان مورد نظر کلام و فلسفه

در اوایل قرن سوم با ترجمه ی آثار فلسفه یونانی و تأمل بر این آثار فلسفه اسلامی زاده شد. (نصر، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵) ورود علوم عقلی چون فلسفه به دایره ی علوم اسلامی که در آنها

وحی به عنوان حقیقت مرکزی به حساب می‌آمد سبب شد تا نوع نگاه به مقوله ایمان نیز تحت تأثیر قرار گیرد. برخی از اندیشمندان با گرایشی که به علوم عقلی داشتند ایمان دینی را معادل تصدیق منطقی و یقین معرفت‌شناختی فرض گرفتند. نتیجه این شد که استدلال‌های منطقی و فلسفی اثبات واجب‌الوجود راه دستیابی به ایمان قلمداد شد و ایمان عوامانه که فاقد معیارهای معرفت‌شناختی بود مورد مناقشه قرار گرفت. (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۲۵۰)

این دیدگاه با اعتراض برخی از علما همراه شد که سرشناس‌ترین آن‌ها اندیشمندی صوفی مسلک به نام غزالی است. به عقیده غزالی ایمانی که متکلمین و فلاسفه پیش روی مردم گذاشته بودند و به آن دعوت می‌کردند با حقیقتی که از جانب قرآن کریم معرفی شده مطابقت نداشت. او مثال‌هایی از مردم عوام صدر اسلام می‌آورد تا نشان دهد اگرچه دانسته‌های آن‌ها از لحاظ معرفت‌شناختی اعتبار لازم را ندارد اما ایمان‌شان مورد قبول پیامبر اکرم (ص) قرار گرفته است. (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۳۳۲) او معتقد بود علوم عقلی و محافل بحث فلسفی از ظرفیت لازم برای هدایت انسان برخوردار نیستند. (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۲۵۱)

اعتراض‌های غزالی می‌توانست زمینه‌ساز دیدگاه جدیدی نسبت به سرشت ایمان گردد اما او هم با وجود التفات به مغایرت اساسی ایمان با شناخت، نهایتاً به نحوی ایمان را تعریف کرد که بنیانش بر معرفت استوار بود، (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۳۲۹) با این تفاوت که با ورود به مسائل معرفت‌شناختی دامنه‌ی ابزار شناخت را وسعت بخشید و اموری چون تقلید در عقاید را هم از لحاظ معرفتی معتبر به حساب آورد. (محممدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷:ص ۱۰۲، ص ۶۶)

## ۵. تبیین نظریه‌ی ایمان مبتنی بر شناخت

بر اساس این نظریه، بنای ایمان بر شناخت (اعم از علم یقینی و ظنی) استوار گردیده و کسب معرفت مهم‌ترین ابزار دستیابی به ایمان فرض می‌شود. بر این اساس منظور از تصدیق قلبی نوعی یقین معرفت‌شناختی است که می‌بایست علاوه بر حصول یقین برای فاعل شناسا

گزاره مورد نظر هم از لحاظ منطقی معتبر و یقینی باشد. در اینجا به چند مورد از نظرات اندیشمندان به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

### ۱-۵. فخر رازی

فخر رازی زمانی که به دنبال وجه تمایز و برتری مؤمن بر کافر می‌گردد به مسئله معرفت اشاره می‌کند. و معتقد است شناخت امر غایب به کمک استدلال بر ظواهر، کار دشواری است که غیر از مؤمنین از عهده‌اش بر نمی‌آیند و اهل ایمان به سبب آن سزاوار ستایش می‌گردند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۷۳) در نتیجه منظور از "تصدیق قلبی" از دیدگاه فخر رازی علم یقینی نسبت به امر غیبی مبتنی بر استدلال بر امر ظاهری عینی است. همچنین دشواری چنین استدلالی وجه تمایز اهل ایمان از اهل کفر خواهد بود و سبب کفر، جهل به معارف حقه است.

### ۲-۵. شیخ مفید

مرحوم شیخ مفید صراحتاً نسبت علم توحید به کفار را نفی می‌کند. ایشان در کتاب "تصحیح اعتقاد الامامیه" کفار را جاهل به معارف و فاقد علم توحید خطاب کرده و در پاسخ به سؤال مقدر مبنی بر وقوع کفر عالم، چنین تصویری را ناشی از یک نگاه سطحی می‌داند. (مفید، ۱۳۷۱، ص ۱۱۹) مرحوم مجلسی هم در جلد هشتم بحار الانوار به تبعیت از شیخ مفید همین مسئله را طرح کرده و مؤمنین را عالمان به علم توحید و کفار را گروه جهال معرفی می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۳۲۵)

### ۳-۵. سهروردی

چنین نگرشی به روشنی در آثار سهروردی قابل رؤیت است. از نظر او غایت هدایت یعنی خلیفه‌ی الهی، همان حکیم جامع‌الاطراف است. بنا بر باور او عقل نهایت نفس (سهروردی، ۱۳۸۵، ۴۷۶) و انسان کامل فردی است که هم در تعقل و قوه‌ی استدلال و هم در عقل و شهود به درک حقایق عالم نائل می‌گردد. (لطفی و صلواتی، ۱۳۹۸) بدین ترتیب معنای هدایت از نظر سهروردی خروج از ظلمات جهل و ورود به روشنایی معرفت خواهد بود. (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۴ ص ۹۱) به عقیده‌ی سهروردی برتری مؤمن به واسطه‌ی علمش به معارف حقه بوده (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۱۰) و کفار گروهی هستند که گرفتار جهل مرکب شدند. (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۲) بدین ترتیب معتقد است انسان مؤمن که به علم توحید دست پیدا کرده، هیچ‌گاه مخلد در عذاب نخواهد بود یعنی اگر به واسطه عمل فاسدش به اسفل‌السافلین هم رفت، مدتی در آنجا معذب خواهد شد، اما در نهایت به واسطه‌ی نورانیت علم و ارزش وجودی معرفت نجات پیدا خواهد کرد. (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۲)

#### ۵-۴. ملاصدرا

مرحوم ملاصدرا در آثار خود با تعابیر مختلف به تعریف ایمان پرداخته اما در همه این تعابیر ایمان از جنس علم معرفی شده است. بدین ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که جوهره اصلی ایمان از دیدگاه ملاصدرا علم و معرفت است. (اکبریان و گلستانه، ۱۳۹۱) او بخش "الاهیات بالمعنی الاخص" حکمت متعالیه را ایمان حقیقی می‌داند (صدرالدین شیرازی و دیگران، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۸) و در کتاب المشاعر (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۲-۳) اظهار می‌دارد که ایمان حقیقی به خدا و قیامت بر ای نفس علامه از راه براهین یقینی و آیات الهی به دست می‌آید همچنین در یکی دیگر از آثار خود که به

۱- انسان کامل در عرفان اسلامی اصطلاحی شناخته شده است که عمدتاً با مترادف‌هایی نظیر صادر نخستین، حقیقت محمدی، فرّه ایزدی، نور اسپهبدیه، عقل اول و ... بیان شده است. (لطفی و صلواتی، ۱۳۹۸)

روش متعارف متکلمان وارد بحث ایمان شده (صدرالدین شیرازی و صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱ ص ۲۵۲) آن را مجرد علم و تصدیق می‌داند. (اسفندیاری، ۱۳۹۴)

## ۵-۵. علامه طباطبائی

مرحوم علامه طباطبائی اگرچه ایمان را نوعی شناخت می‌داند اما از نظر ایشان معرفت تنها جزئی از آن محسوب می‌شود و صرف دستیابی به علم و برطرف شدن شک انسان را مؤمن نمی‌سازد. سرشت ایمان از دیدگاه علامه ترکیب شده است از معرفت و التزام عملی (که شامل التزام قلبی و جوارحی می‌شود) به آن. (طباطبائی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۸، ص ۱۵۸) یعنی به عقیده ایشان ایمان صرف ادراک نیست، بلکه عبارت است از پذیرش ویژه از ناحیه‌ی نفس نسبت به آنچه بدان علم یافته‌ایم؛ پذیرشی که باعث می‌شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری که اقتضا دارد تسلیم شود. (مجیدی بیدگلی، ۱۳۸۶)

## ۶. نقد نظریه ایمان مبتنی بر شناخت

ایمان گاهی به صورت هستی‌شناسانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و با استناد به شباهت‌ها و تفاوت‌های ایمان با دیگر حالات درونی انسان تلاش می‌شود ویژگی‌های هستی‌شناسانه ایمان هم شناخته شود. (محمدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷: ص ۹۲) اما عمده اندیشمندان اسلامی نگاهی دستوری به ایمان داشته‌اند، منظور از نگاه دستوری این است که محقق در تبیین چیستی ایمان به دنبال کشف شروط اعتبار از منظر اعتبار کننده (شارع) باشد. (همان) از این رو دلیلی که بر آن اقامه می‌گردد یا از نصوص معتبر اسلامی است که دلالت می‌کند منظور از ایمان همان شناخت است یا قول لغوی بگوید لفظ ایمان که در نصوص دینی به کار رفته است دلالت بر شناخت می‌کند. در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- قول اهل لغت: اهل لغت ایمان را "تصدیق قلبی" ترجمه کرده‌اند. (خلیل بن

احمد فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۳۸۸) از جایی که تصدیق گزاره به معنی قبول

مطابقت مفاد گزاره با نفس الامر است در نتیجه در تصدیق قلبی، معرفت و شناخت هم باید باشد. همچنین تا دلیلی بر صدق گزاره نباشد انسان نمی تواند آن را تصدیق کند.

جواب: تصدیق قلبی با تصدیق منطقی تفاوت دارد و می تواند بدون همراهی شناخت و صرفاً به وسیله ی اراده انسان تحقق پیدا کند. در تصدیق منطقی حاکم اصلی عقل است. این عقل است که مطابقت و عدم مطابقت با نفس الامر را بررسی می کند و حکم به صدق گزاره می دهد. اما در تصدیق قلبی که نقش گرایشها و تمایلات در آن مطرح است گرایش قلبی، تعیین کننده اصلی است. (محمدی و موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷، ص ۴۲) از این رو ممکن است انسان بدون شناخت لازم نسبت به یک قضیه نادرست تصدیق قلبی داشته باشد. عکس این مسئله هم وجود دارد به این صورت که انسان نسبت به مسئله ای علم لازم را کسب کند اما نتواند قلباً آن را تصدیق کند و بپذیرد. مانند نقل قولی که از "خلیل بن احمد" نویسنده کتاب "العین" راجع به دور شدن مردم از دور امیرالمومنین علی (ع) نقل شده است. او میگوید کمالات و حقانیت علی (ع) مثل روز برای همه روشن بود اما مردم به سویی میروند که نفس آنها بدان شباهت دارد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷)

۲- اخبار و آیاتی که برای هدایت به تدبیر و تعقل دعوت می کند. (انفال/۲۲)(زمر/۹)  
جواب: اگر چه این اخبار فضیلت معیت ایمان و معرفت را نشان می دهد اما تصدیق قلبی بدون شناخت لازم را نفی نمیکند.

۳- اخباری که نهی از پیروی از ظنون نموده است. (انعام/۱۱۶)(یونس/۳۶) چرا که ایمان بدون معرفت نوعی تبعیت از ظنون محسوب می شود.

الف- اولاً این اخبار مطلق ظنون را بی اعتبار نمی کند بلکه ارشادی است بر این که از ظن در جای یقین استفاده نشود. یعنی اگر جایی می توانیم از برهان استفاده کنیم نباید به سراغ استقرا برویم، اما آن جا که چاره ای جز رجوع به استقرا نداریم (مثل علم پزشکی) این ظنون معتبر خواهند بود. یا به این معنی است که اگر نتیجه ای از یک استدلال ظن آور

مثل استقرا حاصل شد به مانند نتیجه ی برهان با آن برخورد نکنیم و بدانیم این نتیجه یک امر ظنی است و همیشه پرونده ی احتمال نقض آن را باز نگه داریم.

ب- نهی از تبعیت ظنون یک امر ارشادی است و هیچ دلالتی بر نقض ایمانی که بدون شناخت شکل گرفته باشد ندارد.

۴- اخباری که نشان می دهد انبیاء (ع) به کمک استدلال های عقلی و معرفت افزایی مردم را به سوی ایمان دعوت نمودند. (یس/۷۹)

قطعا یک از بهترین راههای وصول به اطمینان قلبی تعقل و تدبر است اما این دلیل نمی شود که راه دستیابی به ایمان را منحصر در کسب شناخت بدانیم یا بگوییم ایمان بدون شناخت محقق نمی شود.

## ۶-۱. اشکالات

### ۶-۱-۱. تأکید قرآن کریم بر ترکیه نفس

اگر دانستن اساسی ترین عنصر تحقق ایمان به حساب می آمد، ابزار ذهن هم به تبع آن اهمیت ویژه ای برای هدایت انسان می یافت، حال آنکه در قرآن کریم چنین تأکیدی مشاهده نمی شود بلکه بارها قلب مؤمن به عنوان جایگاه ایمان (حجرات/۱۴) و "شرح صدر" به عنوان مقدمه ی ضروری هدایت معرفی شده است. (انعام/۱۲۵) همچنین به طور محسوس قرآن کریم بر ترکیه ی نفس و پاکی دل تأکید دارد و آنجا که سخن از کفر و تکذیب رسالت پیامبران (ع) می شود اموری چون ظلم و فساد به عنوان مهم ترین عوامل زمینه ساز این انکار مطرح گردیده است نه جهل و عدم معرفت. (آل عمران/۱۵۱)

### ۶-۱-۲. قبح عقاب بلا بیان

در تاریخ فقه شیعه، از زمانی که عقل به عنوان یکی از منابع فقهی به حساب آمد، قاعده «قبح عقاب بلا بیان» در رأس اصول عقلی قرار گرفت. (محقق داماد، ۱۳۸۷) این قاعده، برگرفته از قواعد عقلی و مبتنی بر پذیرش حسن و قبح عقلی بوده که در آیات قرآن کریم هم به آن



اشاره شده است. (قصص: ۵۹) (اسراء: ۱۵) بر اساس قاعده قبح عقاب بلایان، کیفر شخصی که از جانب شارع، بیان روشنی بر تکلیف دریافت نکرده، نزد عقل زشت و ناپسند است. بنابراین انسان در شرایطی سزاوار عقاب می‌گردد که پس از درک حقیقت (ابراهیم: ۴) از آن روی گرداند. با این حساب استحقاق عذاب پس از تبیین و تفهیم فرض می‌شود که در نتیجه‌ی آن می‌توان مدعی شد عمده‌ی عتاب موجود و عقاب موعود در قرآن کریم نسبت به کفار مربوط به گروهی است که پس از تمیز حق از باطل به‌طور تعمدی حق را انکار نموده‌اند. (بقره: ۸۹) یعنی وعده‌ی عذاب در پس هدایت تشریحی معنا پیدا می‌کند. و هدایت تشریحی جز در سایه اختیار معنا ندارد.

اگر بخواهیم مطالب فوق را به‌طور خلاصه صورت‌بندی کنیم چنین می‌شود:

- اولاً اگر بزرگ‌ترین چالش انسان در راه ایمان صعوبت معرفت به حق باشد، عمده‌ی کافرین را جهال تشکیل خواهند داد.
  - ثانیاً بر اساس قاعده‌ی عقلی قبح عقاب بلایان زمانی کفار مستحق عقاب هستند که به‌صورت اختیاری پس از شناخت حق به آن پشت کرده باشند.
- با کنار هم قرار دادن دو مقدمه فوق نتیجه می‌گیریم اگر کفار جاهل باشند عذابشان عقلاً ناصحیح خواهد بود. باین حال وعده‌های عذاب قرآن کریم نسبت به کفار نشان می‌دهد آن‌ها شناخت کافی نسبت به رسالت انبیاء (ع) داشته‌اند.

### ۶-۱-۳. کفر فرد عالم

شناخت حق همان‌طور که مقدمه ایمان است مقدمه کفر هم به حساب می‌آید با این تفاوت که نسبت به کافر جنبه اتمام حجت دارد. در قرآن کریم به افرادی اشاره شده است که از لحاظ معرفت به حق نقصی نداشتند باین حال آن را کتمان کردند. در اینجا به چند نمونه قرآنی اشاره می‌کنیم:

- شیطان یکی از مصادیقی است که روشن است جهالتش علت انکارش نبوده، (صاد: ۷۴) بلکه تکبر و خودبزرگ‌بینی او مانع تسلیمش شده است. (صاد: ۷۵)

- زمانی که حضرت موسی (ع) به سوی آل فرعون فرستاده شد معجزاتی به آن‌ها نشان داد. این معجزات به حدی روشن بود که شک آل فرعون را نسبت به حقانیت دعوت حضرت موسی (ع) به کلی از بین برد. باین حال آن‌ها ایمان نیاوردند و به صورت تعمدی کفر ورزیدند. (نمل: ۱۳-۱۴)
- بر اساس آیات قرآن کریم گروهی از اهل کتاب در حالی رسالت پیامبر اکرم (ص) را انکار نمودند که شناخت عمیقی نسبت به ایشان و صدق دعوتشان پیدا کرده بودند. (بقره: ۱۴۶)

## ۷. نظریه دوم ایمان گرایان راجع به ایمان

ایمان گرایان ایمان و معرفت را نامرتب با هم بلکه گاهی دو امر متعارض می دانند. (میرباباپور، ۱۳۹۶) به عقیده طرفداران این دیدگاه مسیر دستیابی به ایمان نمی تواند از لحاظ معرفت شناختی موجه باشد. تاریخ ایمان گرایی (fedeism) در مسیحیت به سده‌های اولیه مسیحی برمی گردد که در آن ترتولیان الهی دان قرن دوم معتقد بود: «ایمان می آورم چون نامعقول است» یعنی اگر معقول بود به آن معرفت پیدا می کردم. (قنبری و رستمی، ۱۳۹۶)

### ۷-۱. عدم مطابقت ایمان گرایی با آیات قرآن کریم

قرآن کریم در موارد متعدد انسان‌ها را دعوت به تفکر و تدبیر نموده (آل عمران/ ۱۹۱) و در موارد متعددی برای اثبات گزاره های دینی از ادله عقلی بهره گرفته است. (یس/ ۷۸) (یس/ ۷۹) طبیعی است چنین تعاملی با اندیشه و عقلانیت نمی تواند با عقیده ایمان گرایان همخوانی داشته باشد. (میرباباپور، ۱۳۹۶) ضمن این که زمینه های گرایش به ایمان گرایی مثل گزاره های متناقض (جوادی، ۱۳۸۱) و منع از تفکر و تعقل (مطهری، ۱۳۹۷: ص ۲۰) (محمدرضایی، ۱۳۹۱) در دین اسلام وجود ندارد.

## ۸. جمع میان نظریه ایمان مبتنی بر شناخت و ایمان منفک از شناخت

### ۸-۱. بررسی معنای صحیح ایمان بر اساس آیات قرآن کریم

در این قسمت تلاش داریم معنایی از ایمان ارائه کنیم که نزدیک ترین معنی به آیات شریف قرآن کریم باشد. به همین منظور می‌گوییم: ایمان یک فعل اختیاری است که می‌تواند مورد امر و نهی قرار گیرد. (نساء/۱۳۶) از آنجا که اراده انسان همیشه به امر صحیح تعلق پیدا نمی‌کند ایمان هم گاهی به شیوه نادرست و به گزاره نادرست تعلق پیدا می‌کند. (نساء/۵۱) نکوهش ایمان آوردن به طاغوت (نساء/۵۱) به ما نشان می‌دهد لزومی ندارد متعلق ایمان از لحاظ معرفت شناختی همواره معتبر باشد. همچنین نمیتوان از قرآن کریم دلیلی ارائه نمود که به صراحت بگوید صحت ایمان به تحقق شناخت صحیح و معتبر نسبت به گزاره موجه وابسته است همان طور که دلیلی بر امتناع معیت ایمان و شناخت در قرآن کریم یافت نمی‌شود. با این حال از آن جا که فردی که نسبت به دو طرف گزاره خالی الذهن باشد عقلاً نمی‌تواند آن را تصدیق یا تکذیب کند می‌توانیم ادعا کنیم از لحاظ عقلی برای تحقق ایمان حداقل به یک شناخت تصویری نسبت به اجزاء قضیه نیاز داریم.

بدین ترتیب می‌توان گفت منظور از مطلق "ایمان" و "تصدیق قلبی" همان "اعتماد قلبی" است و منظور از "ایمان دینی" اعتماد درونی به رسول و صدق گفته‌های او است. چنین اعتمادی اگر چه در بستر شناخت مناسب بهتر محقق میشود اما این توانایی در انسان وجود دارد که بدون شناخت کافی هم اعتماد کردن را اختیار نماید.<sup>۱</sup> به همین جهت انبیاء که وظیفه تبلیغ دین را دارند، میبایست اعتماد عمومی را هم نسبت به خود جلب نمایند.<sup>۲</sup> مردم هم وظیفه دارند زمانی که بستر را برای اعتماد فراهم می‌بینند با اراده خود اعتماد را اختیار کنند.

<sup>۱</sup> - مانند آنهایی که بدون شناخت کافی ایمان آوردند. (غزالی، ۱۴۱۶:ص ۳۳۲)

<sup>۲</sup> - به عنوان مثال حضرت یوسف گذاشتند به عنوان یک چهره خیانتکار شناخته شوند. (یوسف:۵۲) از ابن عباس روایت شده که مشرکان قریش، رسول خدا(ص) را امین می‌نامیدند و می‌دانستند که او هرگز دروغ نمی‌گوید با این وجود او را انکار می‌کردند. (زمخشری و ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸-۱۹)

تفاوتی که امیرالمومنین (ع) میان خوارج و میان معاندین قائل شده نشان می دهد دینداری و ایمان می تواند به شکل نادرست تحقق یابد و از مسیر حقیقی منحرف شود. آیات و روایاتی که انسان را به تبعیت از عقل و کسب علم ملزم میکند از یک طرف نشان می دهد دینداری می تواند در فضای نادرست و بدون تعقل شکل گیرد و از سویی راهنمایی می کند که ایمان و دین با التزام به قواعد عقلی و منطقی و بهره گیری از علم و معرفت از انحراف در امان می ماند.

## ۸-۲. موانع شکل گیری ایمان

بر اساس آیات قرآن کریم مسئله تبعیت انسان در جایی مطرح می شود که قبلا هدایت نازل شده و تبیین میان حق و باطل شکل گرفته باشد. (بقره: ۳۸) (طه: ۵۰) (انسان: ۳) پس از آن که ارسال رسل صورت گرفت و راه و چاه معلوم شد (نساء: ۱۶۵) مومن با اراده خود حق را می پذیرد و کافر با اراده خود منکر می شود. این یعنی گزاره های دینی نباید جزء مسائل پیچیده علمی محسوب شود بلکه بالعکس باید ساده و همه فهم باشد. (بقره: ۴۱) (بقره: ۸۹) (بقره: ۹۱) (النساء: ۴۷) (بقره: ۷۵) (بقره: ۱۰۹) (بقره: ۱۵۹) (بقره: ۲۰۹) (آل-عمران: ۱۹) (آل-عمران: ۱۰۵) (البجائیه: ۱۷) (محمد: ۲۵) (محمد: ۳۲) (اسراء: ۱۵) (ابراهیم: ۱۴) با این احوال وجود منکرینی که علم به حق دارند (بقره: ۴۱) نشان می دهد پذیرش قلبی صدق گزاره های دینی برای همه مردم آسان نیست و باید بینیم چرا انسانی که حقیقت را میداند دست به انکار آن می زند.

در بررسی آیات قرآن کریم به امور متعددی برمی خوریم که عامل تکذیب دعوت انبیاء شمرده شده اند. یعنی عواملی متعدد وجود دارد که می تواند انسان را از هدایت محروم سازد. در حقیقت مسئله قبول رسالت برخلاف ظاهر ساده اش امر پیچیده ای است که عوامل متعددی می تواند مانع تحقق آن محسوب شود. اموری چون: شک و ریب نسبت به صدق

۱ - فرمودند: خوارج را بعد از من نکشید که آن که حق را می خواهد و اشتباه کرده مانند آن که از ابتدا باطل را می خواسته و به آن رسیده است نیست. (مطهری، ۱۳۸۶)

دعوت نبی (الجائیه: ۳۲) (البقره: ۲۳) حسادت به شخص پیامبر (نساء: ۵۴) آگرایش های قومی و قبیله ای (هود: ۹۲) تناقض تعالیم دینی با انگاره های نادرست ذهنی<sup>۵</sup> (جائیه: ۲۴)<sup>۶</sup> ترس از آسیب دشمنان (النساء: ۷۷)<sup>۷</sup> و... می تواند فرد را از فیض ایمان محروم سازد. برای انسانی که در ماده به دنیا آمده، سالیان متمادی در ماده زندگی کرده و تمام ساختارهای ذهنی او از قواعد مادی شکل گرفته قبول جهانی که هیچ ارتباطی به ماده ندارد و هیچ تجربه ای نسبت به آن نداشته تنها به واسطه یک استدلال عقلی امر دشواری است. (الجائیه: ۲۴) آن که چون فرعون تکبر دارد و مست قدرت و دل بسته ی ثروت دنیا شده نمی تواند به راحتی به موسی (ع) ایمان آورد و از سال ها تفرعن خود دست بردارد حتی اگر عصایی در پیش دید گانش به ازدها تبدیل گردد. (مومنون: ۴۶)<sup>۸</sup> یا آن که به فرستاده ی الهی حسد ورزد از او پیروی نخواهد کرد حتی اگر حق مثل آفتاب برایش روشن گردد. (بقره: ۲۴۷)<sup>۹</sup> (امور متعددی از جمله (فسق)، ظلم، و تکبر و .... به عنوان عامل گمراهی ذکر شده است).

۱ - وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمَسْتَبِئِينَ (جائیه: ۳۲)

۲ - وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (بقره: ۲۳)

۳ - أَمْ يُحْسَدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نساء: ۵۴)

۴ - قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا (هود: ۹۲)

۵ - یکی از روشن ترین مثال های انگاره های ذهنی نادرست نگاه مادی گرایانه به عالم هستی است. زندگی در عالم ماده باعث می شود به مرور زمان این ذهنیت در انسان به وجود آید که هستی غیر از ماده نیست. چنین تصور نادرستی بعد از بعثت پیامبران (ع) و دعوت ایشان به عالم غیب (که التفات به وجوه دیگر وجود است) فرایند ایمان را دچار اختلال می سازد. قرآن کریم در موارد متعدد به این مساله اشاره کرده است. (جائیه: ۲۴) بدین ترتیب یکی از امتیازات مومنین این است که پیش فرض های ذهنی خود را در برابر دعوت انبیاء (ع) قرار نمی دهند و اگر قرار باشد به امری غیبی که هیچ تجربه پیشین از آن نداشته اند ایمان بیاورند قادر به این امر هستند. (بقره: ۳) (حسن بن علی (ع) ۱۴۰۹، ص ۶۲)

۶ - وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ (جائیه: ۲۴)

۷ - فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ إِذَا فِرْقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ (النساء: ۷۷)

۸ - إِي فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (مومنون: ۴۶)

۹ - وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مِنْ يَشَاءِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ (بقره: ۲۴۷)

امور بسیار زیادی بالقوه می توانند انسان را از پذیرش حق بازدارند و ایمان آوردن را دشوار سازند. اما همه این امور را می توانیم در یک عنوان خلاصه کنیم و آن تمایلات نفسانی و منافع شخصی است. با این حساب انسان برای قبول حق یا باید این تمایلات را به طور کلی در خود از بین ببرد و یا به نیرویی دست پیدا کند که بتواند علی رقم میل باطنی و کشش نفسانی حق را اگرچه مخالف منافع شخصی اش باشد بپذیرد. به چنین نیرویی "تقوا" گفته می شود.

### ۸-۳. تقوا خاستگاه ایمان

#### ۸-۳-۱. تقوا زمینه ساز هدایت و وجه تمایز مومن و کافر

بنا بر آیات قرآن کریم اگر تقوا در وجود انسان شکل بگیرد قادر خواهد بود به دعوت دینی پاسخ مثبت دهد و ایمان بیاورد. در سوره مبارکه بقره گروه متقین به عنوان جامعه‌ی هدف برای دعوت دینی معرفی شده‌اند: (بقره: ۲)

در همین آیات به این نکته اشاره شده است که پروردگار عالم (جل جلاله) متقین را مورد هدایت قرار می‌دهد و این گروه در نهایت به رستگاری دست می‌یابند. (بقره: ۵) از دیدگاه قرآن کریم انسان‌ها تنها به واسطه‌ی تقوا بر یکدیگر تفوق و برتری پیدا می‌کنند. (حجرات: ۱۳)<sup>۱</sup> تقوا و صیانت از نفس همان امری است که اهل ایمان را از اهل کفر جدا می‌کند. (مومنون: ۱-۱۰) همچنین از سوی مقابل اهل کفر به صفاتی چون ظلم و فسق متصف گردیده‌اند. (انعام: ۴۹)<sup>۲</sup>

#### ۲-۳-۸. تقوا چگونه موجب تحقق ایمان می شود؟

<sup>۱</sup> - (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر) (حجرات: ۱۳)

<sup>۲</sup> - وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا یَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا کَانُوا یَفْسُقُونَ (انعام: ۴۹)

منظور از تقوا یک حالت روحی و معنوی است که از آن تعبیر به «تسلط بر نفس» می‌کنند. اینکه انسان بتواند خود بر خود و در واقع اراده و عقل و ایمانش بر خواهش‌ها و هوس‌هایش تسلط داشته باشد به طوری که بتواند خودش خودش را نگه دارد. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۴۴) تقوا توانایی مقاومت در برابر جذبه باطل و باورهای نادرست است. تقوا که آمد، طمع نیست، عجب نیست، هوا و هوس نیست، گردوغبار نیست، روشنایی است. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۹)

هر امری که در تعارض با مفاد دعوت انبیاء (ع) قرار گیرد می‌تواند فرد را از تسلیم در برابر پیامبر بازدارد و طبیعتاً امور بی شماری را می‌توان در این مجموعه گنجانده. در وضعیتی که نیروهای مخالف شدت می‌یابد و انجام فعل ثواب با چالش مواجه می‌گردد تقوا انسان را از زیر پا گذاشتن حق حفظ می‌کند، در نتیجه فرد با تقوا فرمان عقل را قربانی خواسته‌های نفسانی نمی‌کند. تقوا به مانند سپری است که از انسان در برابر هجوم باطل با چهره‌های مختلف محافظت می‌کند. (آل عمران: ۱۳۸)<sup>۱</sup> و از دست دادن این وصف او را در برابر هجوم‌های باطل بی‌دفاع می‌سازد. از این رو مهم‌ترین منشاء گرایش به کفر عدم تقوا می‌باشد که این بامعنای لغوی کفر (پوشاندن حقیقت) هم منطبق است.

از جایی که تقوا امری مشکک است، شدت و ضعف آن سبب قرب و بعد انسان نسبت به ایمان گردد. از این رو انسان برای دستیابی به ایمان می‌بایست این وصف را در خود تقویت کند. در قرآن کریم اموری چون عبادت کردن (بقره: ۲۱)<sup>۲</sup> و روزه گرفتن (بقره: ۱۸۳)<sup>۳</sup> به عنوان عواملی که می‌توانند تقوا را در وجود انسان به وجود آورد و تقویت کند ذکر شده است.

### ۳-۳-۸. هدایت دومر حله‌ای انسان

۱ - هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (آل عمران: ۱۳۸)  
 ۲ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۲۱)  
 ۳ - كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۳)

حرکت انسان به سوی کمال مشتمل بر دو هدایت است که این دو در طول یکدیگر قرار دارند. در هدایت اول فطرت انسانی و در هدایت دوم دعوت انبیاء (ع) هدایت‌گرند. تحقق هدایت اول انسان را به درجه‌ی تقوا رسانده وارد گروه متقین می‌کند. تقوا سبب می‌شود انسان قابلیت پذیرش دعوت دینی تو سط انبیاء (ع) را پیدا کند. بدین ترتیب هرگاه پیامبری برانگیخته شود تفاوت میان انسان‌ها آشکار می‌شود. (بقره: ۳۸) انسان متقی که تحت هدایت فطرت سالم قرار گرفته می‌تواند پس از درک حقانیت دعوت پیامبر از دین و آئین او پیروی کرده و هدایت دوم نسبت به او محقق گردد. به همین شکل کفار هم بر اساس آیات قرآن کریم گرفتار دو ضلالت خواهند بود، گمراهی اول گذار از فطرت پاک و ورود به خباثت و گمراهی دوم انکار رسالت انبیاء (ع).<sup>۱</sup> (طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴)

### نتیجه‌گیری

مقصود ما از این تحقیق بررسی خاستگاه تحقق ایمان در انسان بر اساس آیات شریف قرآن کریم بود که برای شروع از تبیین مفهوم ایمان آغاز کردیم. معنای لفظی ایمان "تصدیق قلبی" ترجمه شده است به همین دلیل خواهیم گفت مقصود از این تصدیق قلبی را بیابیم. در این رابطه دو نظریه وجود داشت که یکی تصدیق قلبی را مترادف با تصدیق منطقی ترجمه می‌کرد که این تصدیق نوعی شناخت محسوب می‌شد، و دیگری تصدیق قلبی را فعلی نفسانی می‌دانست که هیچ‌گاه با شناخت جمع نمی‌گردد. در این پژوهش با مناقشه در هر دو نظریه گفتیم ایمان و تصدیق قلبی یک فعل اختیاری است که بی‌نیاز از شناخت است و می‌تواند به واسطه‌ی یک اراده و تنها با تصور اجزاء گزاره ایمان حاصل شود. همچنین گفته شد ایمان ضرورتاً باید با شناخت همراه باشد ولی این ضرورت نه به جهت تحقق

<sup>۱</sup> - و أن هؤلاء و هم متقون مخوفون بهدایتین، هدایة اولى بها صاروا متقین، و هدایة ثانية أكرمهم الله سبحانه بها بعد التقوی و بذلك صحت المقابلة بين المتقین و بین الكفار و المنافقین، فإنه سبحانه يجعلهم فی وصفهم بین ضلالین و عماءین، ضلال أول هو الموجب لأو صافهم الخبيثة من الكفر و النفاق، و ضلال ثان يتأكد به ضلالهم الأول، و يتصفون به بعد تحقق الكفر و النفاق... (طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۴)



وجود ایمان بلکه یک ضرورت عقلی و شرعی برای جلوگیری از انحراف در مسیر کسب ایمان و راه دینداری است.

همچنین پذیرش گزاره های دینی از لحاظ شناختی قابل فهم برای عموم می باشد اما به واسطه هوای نفس و تمایلات انسان کار پذیرش آنها دشوار می شود. بر این اساس برای پذیرش گزاره های دینی می بایست نیرویی در وجود انسان باشد که به کمک آن حقیقت را حتی اگر به منافع شخصی اش ضرر برساند قبول کند، که به این نیرو اصطلاحاً تقوا گفته می شود. انسان در مسیر هدایت دو مرحله را طی می کند، در یک مرحله به تقوا اتصاف پیدا می کند و در مرحله بعد با تبعیت از دین به سوی کمالات انسانی حرکت می کند. همچنین از جایی که تقوا امری مشکک است، شدت و ضعف آن سبب قرب و بعد انسان نسبت به ایمان گردد.



## منابع

۱. **قرآن کریم.**
۲. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۳ش). «توجیه ایمان از دیدگاه ویلیام جیمز». **پژوهشهای فلسفی - کلامی**، شماره ۱۹، صص ۳-۱۶.
۳. آل یاسین، جعفر. (۱۴۰۵ق). **الفارابی فی حدوده و رسومه**. بیروت: عالم الکتب.
۴. آمدی، علی بن محمد. (۱۴۲۳ق). **أبکار الأفكار فی أصول الدین**. بیروت: دار الکتب و الوثائق القومیة.
۵. اسفندیاری، سیمین. (۱۳۹۴ش). «رویکردی فلسفی کلامی به ایمان در فلسفه‌ی دکارت و ملاصدرا». **اندیشه دینی**، شماره ۵۴، صص ۷۹-۹۰.
۶. اکبری، رضا (۱۳۸۹ش). «رویکردهای مختلف به مسئله وجود خداوند و نگاه ابن سینا به قرینه گروی»، **آینه معرفت**، شماره ۲۵، صص ۱۰۵-۱۲۲.
۷. اکبریان، رضا؛ و گلستانه، فهیمه. (۱۳۹۱ش). «حقیقت ایمان از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی». **حکمت صدرایی**، شماره ۱، صص ۲۳-۳۲.
۸. بدخشان، نعمت الله، (۱۳۸۸ش)، «کاوشی در رابطه با ایمان و معرفت فلسفی»، **اندیشه دینی**، شماره ۳۲، صص ۸۹-۱۱۴.
۹. بغدادی، عبد القاهر ابن طاهر. (۱۴۰۸ق). **الفرق بین الفرق**. بیروت: دار الجیل.
۱۰. جوادی، محسن. (۱۳۸۱ش). «ایمان گرایی ویتگنشتاینی». **قبسات**، شماره ۲۶، صص ۱۲۳-۱۳۴.
۱۱. جهانی، محسن. (۱۳۹۹ش). **نسبت سنجی ایمان دینی و یقین معرفت شناختی نزد غزالی و سهروردی** (پایان نامه کارشناسی ارشد). استاد راهنما: مهدی عظیمی. تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
۱۲. حسن بن علی (ع)، امام یازدهم. (۱۴۰۹ق). **التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)**. تحقیق: مؤسسه آل البیت (ع) للاحیاء التراث و سید محمد باقر نجل المرتضی. بیروت: مدرسه الإمام المهدی (ع).

۱۳. حسین زاده، محمد، (۱۳۸۴ش)، «معرفت لازم و کافی در دین»، **معرفت فلسفی**، شماره ۷، صص ۴۳-۸۴.
۱۴. حسینی طهرانی، محمدحسین. (۱۴۲۷ق). **معاد شناسی**. قم: نور ملکوت قرآن.
۱۵. خمینی، روح الله. (۲۰۰۶م). **شرح چهل حدیث امام خمینی (ره)**. تهران: موسسه تنظیم و نشر عصر امام خمینی (ره).
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دارالشامیه.
۱۷. رحمتی، انشاءالله (۱۳۸۵ش). «پاسکال، ایمان و عقلانیت»، **برهان و عرفان**، شماره ۹ و ۱۰، صص ۹-۳۸.
۱۸. رضی بهابادی، بی بی سادات. (۱۳۸۶ش). «بررسی همسان انگاری علم و ایمان از دیدگاه قرآن». **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۸، صص ۴۵-۶۶.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق). **الکشاف**. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۰. سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۹ش)، «ایمان و امید»، **مجله کیان**، شماره ۵۲.
۲۱. سهروردی، شهاب الدین، (۱۳۸۵ش). **المشارع و المطارحات**. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۲۲. سهروردی، یحیی بن حبش. (۱۳۷۲ش). **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۲۳. سویینبرن، ریچارد (۱۳۸۷ش). «اثبات وجود خدا»، ترجمه: مرتضی فتحیزاده. **کتاب ماه دین**، شماره ۱۳۵، صص ۴۰-۴۷.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). **المشاعر**. تهران: طهوری.
۲۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). **تفسیر القرآن الکریم**. تهران: بیدار.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه موسوی همدانی. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۰۳ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. علیخانی کشکک، محمود. (۱۳۹۹ش). «مبانی تکفیر از نگاه شیعه بر اساس دیدگاه محمدباقر مجلسی». **هفت آسمان**، شماره ۷۹، صص ۲۵-۴۷.
۲۹. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۶ق). **مجموعه رسائل الإمام الغزالی**. بیروت: دارالفکر.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الکبیر**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. قم: انتشارات هجرت.
۳۲. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). **قاموس قرآن**. قم: دار الکتب الإسلامیة.
۳۳. قنبری، حسن؛ رستمی، یداله، (۱۳۹۶ش)، «بنیانگذاران ایمان گرایی جدید: کرگکور و ویتگنشتاین»، **اسفار**، شماره ۵، صص ۸۰-۶۱.
۳۴. کرگکور، سورن (۱۳۷۴ش). «انفسی بودن حقیقت است»، **نشریه نقد و نظر**، شماره ۳ و ۴، صص ۶۲-۸۱.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۳۰ق). **الکافی**. قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۳۶. لطفی، زهرا؛ صلواتی، عبدالله. (۱۳۹۸ش). «انسان کامل خسروانی به روایت سهروردی در مقایسه با آراء ملاصدرا». **تاریخ فلسفه**، شماره ۳۸، صص ۶۱-۹۲.
۳۷. لگنهاوزن، محمد، (۱۳۷۹ش)، «گناه ایمان گرایی ویتگنشتاین»، **نقد و نظر**، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۱۵۱-۱۶۵.
۳۸. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). **بحار الأنوار الجاهمه لدرر أخبار الأئمة الأطهار**. قم: مؤسسه الوفاء.
۳۹. مجیدی بیدگلی، کبری. (۱۳۸۶ش). «معنا و مفهوم ایمان از دیدگاه علامه طباطبائی (ره)». **اندیشه دینی**، شماره ۲۲.

۴۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷ش). «قاعده قبح عقاب بلا بیان و مقایسه آن با اصل قانونی بودن مجازات». **فصلنامه قضاوت**، شماره ۵۲، صص ۵۳-۵۶.
۴۱. محمدرضایی، محمد. (۱۳۹۱ش). «خاستگاه مخالفت با عقل در اسلام». **کتاب نقد**، شماره ۶۵-۶۶، صص ۹۱-۱۰۲.
۴۲. محمدی، عبدالله. (۱۳۹۷ش). **هستی شناسی ایمان، کاوشی در رابطه ایمان و معرفت**. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۴۳. محمودی بیات، ملیحه، (۱۳۹۳ش)، «ترابط عقل و ایمان از دیدگاه غزالی و ملاصدرا»، **فلسفه دین**، شماره ۱۱، صص ۶۹۱-۷۱۴.
۴۴. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: مرکز کتاب للترجمه و النشر.
۴۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶ش). **سیری در سیره ائمه اطهار (ع)**. تهران: صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹ش). **آشنایی با قرآن**. تهران: صدرا.
۴۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۷ش). **انسان و ایمان**. تهران: صدرا.
۴۸. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **تصحیح اعتقادات الإمامیه**. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه**. قم: دار الکتب الإسلامیه.
۵۰. مک گراث، آلیستر (۱۳۹۲م). **درسنامه الهیات مسیحی**. ترجمه: محمدرضا بیات و دیگران. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۵۱. ملک اف، علاء الدین، (۱۳۹۰ش)، **عقل و ایمان از دیدگاه ابن رشد، صدرا المتألهین شیرازی و ایمانوئل کانت**، قم: مرکز بین المللی المصطفی (ص).
۵۲. میرباباپور، سیدمصطفی. (۱۳۹۶ش). «رابطه ایمان و معرفت از منظر علامه مصباح یزدی». **حکمت اسلامی**، شماره ۱۳، صص ۶۹-۹۵.
۵۳. نصر، سید حسین. (۱۳۹۶ش). **فلسفه در سرزمین نبوت**. ترجمه: بیت الله ندرلو. تهران: ترجمان علوم انسانی.

۵۴. نظام الاعرج، حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.



**Bibliography:**

1. The Holy Qur'an.
2. Azarbayejani, Masoud (2004), "The Justification of Faith from the Perspective of William James," *Philosophical-Theological Researches*, 19, pp. 3-16.
3. Al-e Yāsīn, Ja'far (1405 AH), *Al-Fārābī fī Hudūdihī wa Rusūmeh*, np: Ālam al-Kitāb.
4. Āmidī, Ali ibn Muhammad (1423 AH), *Abkār al-Afkār fī 'Usūl a-Dīn*, Research: Ahmad Mohammad Mehdi, Np: Dar al-Kutub wal-Withāq al-Qawmīyah.
5. Esfandiari, Simin (2015). "A theological philosophical approach to faith in the philosophy of Descartes and Mulla Sadra," *Religious Thought*, 54 (15), 79-90.
6. Akbari, Reza (2010), "Different approaches to the issue of the existence of God and Avicenna's view on symmetry," *Ayeneh Ma'refat*, 25, pp. 105-122.
7. Akbarian, Reza; Golestaneh, Fahimeh (2012), "The truth of faith from the point of view of Mulla Sadra and Allameh Tabatabai," *Sadrā'i Wisdom*, 1 (1), 23-32.
8. Badakhshan, Ni'matullah (2009), "A Survey of the Relation between Faith and Philosophical Knowledge," *Religious Thought*, 32: 89-114.
9. Baghdadi, Abd al-Qāher Ibn Tāher (1408 AH), *Al-Farq bayn al-Firaq*, Dar al-Jail.
10. Javadi, Mohsen (2002), "Wittgensteinian Faith," *Qabasat*, 26 (7): 123-134.
11. Jahani, Mohsen (2020), *Comparison of Religious Faith and Epistemological Certainty with Ghazali and Suhrawardi* (master's thesis), Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran.
12. Hassan ibn Ali (AS), The 11th Imam (1409 AH), *The Interpretation Attributed to Imam al-Hasan al-Askari (AS)*, Āl al-Bayt (AS) Foundation for the Revival of Heritage and Sayed Muhammad Baqir Najl al-Murtada, Imam Mahdi (AS) School.

13. Hosseinzadeh, Mohammad (2005), "Essential and enough knowledge in religion," *Philosophical Knowledge*, 7: 43-84.
14. Hosseini Tehrani, Mohammad Hossein, (1427 Ah), *Eschatology, Research: Mohammad Hussein Hosseini Tehrani and Āl al-Bayt (AS) Foundation for the Revival of Heritage, The Light of the Malakūt of the Qur'an*.
15. Khomeini, Ruhollah (2006). *Explanation of forty hadiths of Imam Khomeini*, Imam Khomeini Publishing House.
16. Rāghib Isfahānī, Hussein bin Muhammad (1412 AH), *Mufradāt Alfāz al-Qur'an*, Research: Safwān Adnān Dāwoudī, Dar-al-Shāmīya.
17. Rahmati, Insha'Allah (2006), "Pascal, Faith and Rationality," *Argument and Mysticism*, 9 and 10: 9-38.
18. Razi Behabadi, Bibi Sadat (2007), "A study of the similarity of science and faith from the perspective of the Qur'an," *Research of Qur'an and Hadith Sciences*, 8 (4): 45-66.
19. Zamakhshārī, Mahmūd bin Omar; Ibn Hajar Asqalānī, Ahmad bin Ali (1407 AH), *Al-Kashshāf*, Research: Mustafa Hussain Ahmed, Muhammad 'Ulyān Mazkour, Ahmad bin Al-Munīr Iskandrī, and Muhammad 'Ulyān Marzouqī, Dar - al-Kitāb al-Arabi.
20. Soroush, Abdul Karim (2013), "Faith and Hope," *Kian*, 52.
21. Suhrawardi, Shahabuddin (2006). *Al-Mashāri' wa al-Mutārihāt*, Library of the Islamic Consultative Assembly.
22. Suhrawardi, Yahya bin Habash (1993), *Collection of Sheikh Ishraq's Works*, Research: Henry Carbon, Najaf Gholi Habibi, and Hossein Nasr, Ministry of Culture and Higher Education, Institute of Cultural Studies and Research (Research Institute).
23. Swinburne, Richard (2008), "Proving the existence of God" (Translated by Morteza Fathizadeh), *Ketab-e Mah-e Din* 135: 40-47.
24. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (1984), *Al-Mashā'ir*, Research: Henry Carbon and Badi'at al-Mulk ibn



- Imam Qoli Emad al-Dawlah (Badi 'al-Mulk ibn Imam Qoli Imad al-Dawlah, translator), Tahoori.
25. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (1987), Interpretation of the Holy Qur'an, Research: Mohammad Khajavi, Bidar.
  26. Tabātabā'i, Sayed Mohammad Hussein (1403 AH), Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur'an, Fifth edition, Scientific Foundation for Beirut Press.
  27. Tabātabā'ī, Sayed Mohammad Hussein; And Mousavi, Mohammad Baqir (1999), Al-Mizān Commentary (Persian Trans.), Qom Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office.
  28. Alikhani Kashkak, Mahmoud (2020), "Fundamentals of Takfir from the Shiite point of view based on the view of Mohammad Baqir Majlisi," Haft Aseman 79 (22): 25-47.
  29. Ghazali, Muhammad bin Muhammad (1414 AH), Imam Al-Ghazali's Rasā'il Collection, Dar al-Fikr.
  30. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1420 AH), Al-Tafsir-Al-kabir, Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabi.
  31. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1410 AH), Kitāb al-'Ayn, Hejrat.
  32. Ghorashi Bonabi, Ali Akbar (1992), Qāmūs-e Qur'an, Dar al-Kutub al-Islamiya.
  33. Ghanbari, Hassan; Rostami, Yadolah (2016), "Founders of New Faithism: Kierkegaard and Wittgenstein," Asfar, 5(3): 61-80.
  34. Kierkegaard, Soren (1995), "Being psychic is the truth," Critique and View 3&4: 62-81.
  35. Kulainī, Muhammad bin Yaqoub (1430 AH), Al-Kāfī, Research: Muhammad Hussain Derayati, Dar al-Hadith.
  36. Lotfi, Zahra; Salavati, Abdullah (2009), "Khosravani's perfect man according to Sohrawardi in comparison to Mulla Sadra's views," History of Philosophy 38 (10): 61-92.
  37. Legnhausen, Muhammad (2009), "The Sin of Wittgenstein's Faithism," Critique and View 25&26: 151-165.

38. Majlis, Muhammad Baqer (1404 AH), *Bihār al-Anwār*, Al-Wafa.
39. Majidi Bidgoli, Kobra (2007), "The meaning and concept of faith from the point of view of Allameh Tabataba'I, *Religious Thought* 22.
40. Mohaghegh Damad, Sayed Mostafa (2008), "The rule of ugliness of punishing Balabian and its comparison with the principle of legality of punishment," *Judgment* 52 (7): 53-56.
41. Mohammad Rezaei, Mohammad (2012), "The origin of opposition to reason in Islam," *Ketab-e Naqd* 65-66 (14): 91-102.
42. Mohammadi, Abdullah; Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy (2018), *Ontology of Faith, Exploring the Relationship between Faith and Knowledge*, Iranian Institute of Wisdom and Philosophy Research Institute.
43. Mahmoudi Bayat, Maleeha (2013), "The relationship between reason and faith from the perspective of Ghazali and Mulla Sadra," *Philosophy of Religion* 11(4): 691-714.
44. Mostafavi, Hassan (1402 AH), *Al-Tahqīq fī Kalemāt al-Qur'an al-Karīm*, Al-Kitab Center for Translation and Publishing.
45. Motahari, Morteza (2007), *A look at the biography of the Imams*, Sadra.
46. Motahari, Morteza (2018). *Man and Faith*, Sadra.
47. Motahari, Morteza (2010), *Introduction to the Qur'an*, Sadra.
48. Mufīd, Muhammad ibn Muhammad (1413 AH), *Tashīh 'Itiqādāt al-Imāmīyah*, Research: Hossein Dargahi, The World Millennium Conference of Sheikh Al-Mufid.
49. Makarem Shirazi, Nasser (1995), *The Commentary of Nemoone*, Dar al-Kutub al-Islamiya.
50. McGrath, Alistair (2013), *Textbook of Christian Theology (Vol. 1)* (Translated by Mohammad Reza Bayat et al.), Qom: University of Islamic Religions and Schools.
51. Malik Auf, 'Alā al-Dīn (2013), *Intellect and faith from the point of view of Ibn Rushd*, Sadr al-Muti'allihīn Shīrāzī and

- Immanuel Kant, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.
52. Mirbabapour, Seyed Mostafa (2017). “The relationship between faith and knowledge from the perspective of Allameh Mesbahizadi,” *Islamic Wisdom* 13(4): 69-95.
53. Nasr, Seyed Hossein (2017), *Philosophy in the Land of Prophecy*, (Baitullah Naderloo, trans.), Humanities Translator.
54. Nizam Al-'A'raj, Hassan bin Muhammad (1414 AH). *The Commentary of Gharā'ib al-Qur'an and Raghā'ib al-Furqān*, Research: Hassan bin Muhammad Nizam Al-'A'raj and Zakaria Omairat, Dar al-Kutub al- 'Ilmīyah, Muhammad Ali Baydoun Publications.

